



اولاد

ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۱۹۰ |

موعظه آیت‌الله جوادان

از خودت برای خودت استفاده کن



یادداشت

مخترع مبارزه با استکبار کیست؟

سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و دانشگاه امام حسین (ع) قانم‌نامه همکاری امضا کردند

آموزش اخلاق بازرسی

طلبه‌ای که از باشگاه کونگ‌فو تا حجره جاده کشید

خدمت ماندگار آستان قدس رضوی در حوزه فرهنگ

گنجینه «کتاب همراه» در منطقه محروم

نگاه

همه قرآن ضداستکبار است



بررسیده‌ای از سخنان رحیم‌پور ازغندی در نشست «استکبارستیزی بر اساس مبانی قرآن»:

«... قرآن در نقطه مقابل ظلم است و اگر قرآنی می‌خوانید و حفظ می‌کنید که هیچ خسارتی به ظلم نمی‌زند، بدانید که قرآنی نخوانده‌اید... قرآن و ظلم در یک خانه و اداره با هم نمی‌جویند.»

اگر قرآن و دین طوری ارائه می‌شود که به ظالمین خسارت نمی‌زند و آن‌ها استقبال می‌کنند معلوم می‌شود که اصل قرآن مورد توجه نیست... قرآنی که به ظلم و ظالم صدمه نمی‌زند قرآن نیست. قرآن هیچ خبری برای ظلم و ظالم ندارد و نباید داشته باشد. چراکه قرآن موضع ضدظلم دارد. اگر قرآن باشد و در کنارش ربا و ظلم و فساد هم باشد قرآن نیست.

قرآن اساساً یک کتاب ضداستکبار است... کل قرآن ضداستکبار است؛ شما حتی یک آیه از قرآن نمی‌توانید پیدا کنید که برای مهار استکبار انسان نباشد؛ حتی آیه‌ای که از غسل و وضو می‌گوید.

انبیا آمدند برای اینکه این روح استکباری را در انسان مهار کنند و عدالت نظام تکلیفی جامعه شود و فلسفه دین هم این است، وقتی می‌گویند برای تعلیم کتاب و حکمت آمده‌ایم، می‌خواهند انسان را از استکبار در برابر خدا و استکبار در برابر دیگر موجودات دور کنند.

وقتی می‌گویند هدف خلقت عبودیت است، عبودیت در واقع همان نفی استکبار است، نمی‌شود که هم عبد و هم مستکبر و تسلیم آن باشیم.

کل قرآن برای مهار استکبار آمده و جالب است که با ضعف هم مبارزه می‌کند. قرآن با ضعیف بودن و ظلم‌پذیری مبارزه می‌کند و این منطق قرآن است که نه ظلم می‌کند و نه ظلم می‌پذیرد، یعنی نه استکبار می‌کنیم و نه تن به استکبار می‌دهیم و با هر استکبار و مستکبری مبارزه می‌کنیم.»

پیامت زندگی



وقتی نوشتی دیگر نمی‌میری!



محمدحسین نیکبخت

علمای بزرگ شیعه در دوران غیبت کبری سختی‌ها و زحمات فراوانی را برای حفظ میراث الهی و رساندن آن به دست نسل‌های بعد، متحمل شدند. افزون بر این، نقش آن‌ها در مدیریت حوادث و وقایع زمانه و هدایت مردم در گردنه‌های خطرناک تاریخی، بی‌بدیل و ماندگار بوده است. برخی از این علما، در راه حفظ عقیده از جان خود گذشته‌اند و تعدادی دیگر، تن به زندان و تبعیدهای طولانی داده‌اند. ثمره آن مجاهدت‌ها، بقای آموزه‌ها، عقاید و فقه پویای شیعه در روزگار ماست.

در دو قرن اخیر، این نقش بسیار مهم به ویژه در مقابله با وقایعی که با طراحی و نقشه استعمارگران رقم می‌خورد، بیشتر به چشم می‌آید؛ علما مهم‌ترین سد در برابر نفوذ استعمار در جامعه اسلامی بوده‌اند. با این حال، شناخت عمومی جامعه ما از این شخصیت‌ها، چندان گسترده نیست و گاهی همه آشنایی ما با عالمان دینی درگذشته، تنها به ذکر نام آن‌ها خلاصه می‌شود. امروز ۱۳ آبان ماه، سالروز درگذشت آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی است؛ یکی از همان علمایی که چه در عرصه قضاقت و مسائل علمی و چه در هنگامه بحران‌های اجتماعی و سیاسی جهان اسلام، با هدایت مدبرانه خود، نقش عمیقی در پایداری جامعه اسلامی ایفا کرد و باید از او به مثابه یک مرجع تقلید و عالم مبارز بسیار بزرگ در قرن حاضر یاد کنیم.

آغاز فقاقت، آغاز مبارزه با استعمار

آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی هنگامی زعامت شیعیان را بر عهده گرفت که خطرات و حملات گسترده از هر سو، جهان اسلام را گرفتار کرده بود؛ ابتدا مشکلات مربوط به جنگ جهانی اول، سپس گرفتاری‌های مربوط به قیام مردم عراق علیه استعمار انگلیس و در نهایت، مصیبت ناشی از بروز جنگ جهانی دوم. آن عالم عالی‌مقام در سال ۱۲۴۶ خورشیدی

در روستای «مدیسه» از توابع لنجان اصفهان به دنیا آمد. خاندان او اصالتاً از سادات بهبهان بودند که نسبشان به امام موسی کاظم(ع) می‌رسید. آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی پس از فراگیری مقدمات علوم دینی در زادگاهش، به حوزه علمیه اصفهان رفت و در مدرسه مشهور «نیمارد» به فراگیری دانش پرداخت.

وی در سال ۱۲۶۹ خورشیدی، در ۲۳ سالگی راهی نجف اشرف شد و به سرعت در ردیف طلاب مورد توجه آخوند خراسانی قرار گرفت؛ شاگردی محضر میرزای بزرگ شیرازی را تجربه کرد و در درس مراجع نامدار نجف مانند سیدمحمدکاظم یزدی خوش درخشید. انتخاب سیدابوالحسن به عنوان یکی از علمای تراز اول برای نظارت بر مصوبات دومین مجلس شورای ملی ایران از سوی علمای نجف در سال ۱۲۸۹ خورشیدی نشان می‌دهد او هم در علوم دینی و هم در امور سیاسی از توانمندی ویژه برخوردار بوده است. آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی در جریان انقلاب سال ۱۲۹۰م عراق که در آن، مردم علیه استعمار انگلیس به پا خاسته بودند، وارد میدان مبارزه شد و با صدور اعلامیه‌ای به همراهی با قیام پرداخت: «بسم الله الرحمن الرحیم. سلام بر همه، به

خصوص برادران عراقی، وظیفه دینی بر همه مسلمانان لازم می‌گرداند که در حفظ حوزه اسلام و بلاد اسلامی تا آنجا که قدرت دارند بکوشند و بر همه ما واجب و لازم است که سرزمین عراق را که شاهد اثمه هدی(ع) و مراکز دینی ما در آنجاست، از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این موضوع دعوت کرده و ترغیب می‌نمایم. خداوند مراکز دینی ما در آنجاست، از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این موضوع دعوت کرده و ترغیب می‌نمایم. خداوند ما و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق فرماید». آن مرحوم در حمایت از روحانیان و علمای مبارزی مانند شیخ‌مهدی خالصی که در حال نبرد همه‌جانبه با استعمار و ایادی آن در عراق و سرزمین‌های اسلامی بودند، از هیچ کوششی فروگذار نکرد و حتی وقتی انگلیسی‌ها شیخ‌مهدی را به حجاز تبعید کردند، با مدیریت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، ماجرای هجرت علما از نجف رقم خورد و انگلیس ناچار شد شیخ‌مهدی را به جای حجاز، روانه ایران کند.

مرجعیت تامه

با رحلت آیات عظام سیدضیاء عراقی و نائینی، مرجعیت عام شیعه برعهده آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی گذاشته شد و او از سال ۱۳۲۰ خورشیدی تا زمان رحلتش، جای حجاز، روانه ایران کند.



پارحلت آیات عظام سیدضیاء عراقی و نائینی، مرجعیت عام شیعه برعهده آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی گذاشته شد و او از سال ۱۳۲۰ خورشیدی تا زمان رحلتش، بار این مسئولیت را بر دوش داشت.



به بهانه سالروز رحلت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، زعیم بزرگ جهان تشیع

جهاد، قبل و بعد از وفات

بار این مسئولیت را بر دوش داشت. این دوره تاریخی، مصادف با بروز جنگ جهانی دوم و حملات گسترده متفقین به خاورمیانه به ویژه ایران و عراق بود. با این حال، به دلیل سقوط دیکتاتوری رضاخان، شرایط برای گسترش فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی در حوزه‌های علمیه شیعه، بیشتر از قبل مهیا شد و علمای بزرگ همگی زعامت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی را که توانسته بود در آن شرایط، با مدیریت ویژه خود اوضاع را سر و سامانی بدهد، پذیرفته بودند. نقل است که از آیت‌الله العظمی بروچردی در همین زمان، خواستندی رساله علمیه منتشر کند؛ آن مرحوم گفته بود: «رساله دادن برای من آسان است، ولی شق عصای (دودستگی) مسلمین است. فعلاً پرچم اسلام در دست آیت‌الله اصفهانی است. ایشان، مرجع عموم هستند».

جهاد پس از وفات

با حضور نیروهای شوروی در آذربایجان، شرایط برای فعالیت کمونیست‌ها فراهم شده بود. ضعف بنیه مالی مردم، از هم گسیختگی سامان کشور به دلیل جنگ و بی‌تفاوتی مسئولان امر به شرایط آذربایجان، هر لحظه بر وخامت اوضاع می‌افزود.

اما شاید مهم‌ترین اتفاقی که سبب زنده شدن دوباره آذربایجان شد، در مراسم عزاداری مردم به مناسبت وفات آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی رقم خورد؛ به اعتراف مورخان و پژوهشگران هنگامی که در ۱۳ آبان سال ۱۳۲۵، آن مرجع عالیقدر و زعیم جهان شیعه، حیات را بدرود گفت، عزاداری مردم آذربایجان و انقلابات مذهبی در آن خطه، زمینه را بر حذف عناصر کمونیست فراهم کرد و به نفوذ دموکرات‌ها در میان مردم خاتمه داد. به این ترتیب، آن عالم بزرگ حتی پس از رحلت نیز، منشأ خیر و برکت در میان مسلمانان بود. پیکر مطهر آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی را در حرم مطهر امیرالمؤمنین(ع) به خاک سپردند.

آمدند سر مزار پدر بچه، انگار کرونا دستش را از دنیا کوتاه کرده و فرصت نداشته روی ماه فرزندش را ببیند. چاره‌ای ندارم جز زنگ زدن. بعد مکالمه متوجه می‌شوم شرق آرامگاه کجا و غربش کجا؟ انگار باید مسیر طی شده را برگردم. اشتباهی آمدم، وقت برگشت یکی از بانوان رسانه را می‌بینم که مثل من راه‌بلد نیست اما خوب عجله‌ای هم ندارد برای تغییر مسیر. قصه را که جویا می‌شوم با انگشت چند متر آن طرف‌تر را نشانم می‌دهد و می‌گوید: واقعاً بعضی‌ها نظر کرده‌اند. از کسی شنیدم این آقا که مراسم تدفینش، هفت

عضوش رو اهدا کرده. هفت نفر رو زنده کرده. دارم براش آیه‌الکرسی می‌خونم، راه می‌افتم، ساکت. نفسمان نه به واسطه ماسک که به خاطر دودوتا چهارتای اعمالمان تنگ است. چقدر حال غریبی دارد این سه‌شنبه. آدم‌ها، حرف‌ها و احوال این دنیا با دنیای بیرون خیلی فرق دارد. خیلی عمیق است. شوخی ندارد. حرفی برای گفتن نداشته. اینجا ایستگاه آخر است.

پی‌نوشت: امام محمدباقر(ع) می‌فرمایند: زیاد به یاد مردن باش. کسی که زیاد به یاد مردن باشد مسلماً از دنیا قطع علاقه خواهد کرد.

بررسی مبانی قرآنی نهضت امام خمینی

درگفت‌وگو با سید حمید روحانی

از رساله تارسات

۱۳ آبان سالروز تبعید امام خمینی(ره) به ترکیه است؛ به همین مناسبت سراغ سید حمید روحانی رفته‌ایم تا با او درباره مبانی دینی و قرآنی نهضت امام خمینی(ره) صحبت کنیم. سید حمید روحانی مؤسس و رئیس سابق مرکز اسناد انقلاب اسلامی و رئیس فعلی بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی و همچنین صاحب امتیاز و مدیرمسئول فصلنامه ۱۵ خرداد است. او در ۲۵ دی ۱۳۶۷ طی نامه‌ای از سوی امام(ره) مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی را به عهده می‌گیرد.

اجازه دهید گفت‌وگو را با این پرسش آغاز کنیم که مبانی قرآنی و دینی و اندیشه‌ای امام(ره) در زمینه تشکیل حکومت اسلامی چیست؟

خب می‌دانیم اصولاً نهضت امام بر پایه اسلام و قرآن بود. این را از مجموعه پیام‌ها و سخنان ایشان در سال‌های پیش از انقلاب به‌خوبی متوجه می‌شوید، چنان‌که هرچه پیام دادند و هرچه گفتند، براساس نظر شخصی یا فتوای خودشان نبود. اگر نگاهی دوباره به آن پیام‌ها و سخنرانی‌ها ببینیم می‌بینیم از نص قرآن دستور گرفتند و هر آنچه از قرآن گرفتند را به اجرا درآوردند. قرآن می‌فرماید: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَيْنَهُمْ ظُلُمًا وَّ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» یعنی به کسانی که مورد ظلم قرار گرفتند اجازه جنگیدن و جهاد داده شده است. یا آیه «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله لانهم بنیان مرصوص» خدا کسانی را که مانند کوه در مقابل ظلم می‌ایستند دوست دارد...



منبرمجازی

کار به اضافه‌کاری نکشد

حجت‌الاسلام حائری‌زاده: خوب است که برای احیای امر اهل بیت(ع) خودمان را شبیه امام رضا(ع) کنیم. اصل زیارت هم به میزان صفاتی است که از امام رضا(ع) به زائر ایشان منتقل می‌شود... حس حضور امام(ع) یعنی اعتقاد به اینکه خدای حرم امام رضا(ع) خدای همه جاست.

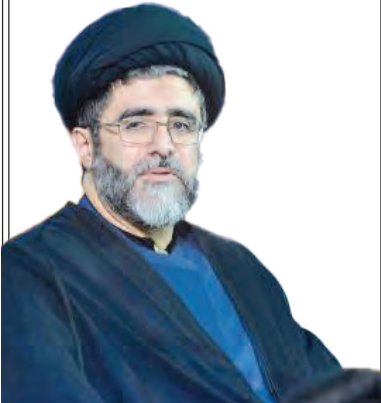
اباصلت هروی می‌گوید امام رضا(ع) فرمودند: «خداوند رحمت کند آن بنده‌ای که امر ما را زنده کند». پرسیدم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمودند: «علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند».

در این حدیث حضرت ثامن‌الحجج(ع) چند شاخص را بیان کرده‌اند: نخست آنکه علومی را که از ناحیه آل‌الله(ع) وارد شده، یاد بگیرد یعنی یادگیری این علوم گام نخست است، مرحله دوم آنکه پس از یادگیری، زکات این علم را بپردازد و این زکات به نشر علوم اهل بیت(ع) است و جالب آنکه حضرت(ع) می‌فرمایند: این علوم را به مردم یاد دهید یعنی فراگیری علوم اهل بیت(ع) را به شیعه یا مسلمانان محدود و محصور نمی‌کنند و بر عموم مردم تأکید دارند و درباره دلیل این تأکید هم ادامه می‌دهند؛ مردم وقتی محاسن کلام ما را بشناسند، چون این زیبایی‌ها منطبق با فطرت آن‌هاست، تبعیت می‌کنند.

این احیای و زنده کردن امر امام(ع) باید در فرهنگ، اخلاق، اجتماع، اقتصاد، سیاست، امور اخروی، حتی تدریس و آموزش و تبلیغ، سبک زندگی و... رخ دهد و هر کسی در هر موضعی حتی اشتغال به کار فنی درصدد این احیای باشد یعنی بر مداری که اهل بیت(ع) فرموده‌اند که همان مدار قرآن است، حرکت کند.

قطعا در احیای امر اهل بیت(ع) باید تا جای ممکن خودمان را شبیه به معصومان(ع) کنیم... در بحث خادمی امام رضا(ع) هم خدمت به این معناست که بدانیم امام رضا(ع) چه چیزی را دوست دارند همان کار را انجام دهیم و در همه حال امام را شاهد و ناظر خود بدانیم.

حس حضور امام(ع) یعنی اعتقاد به اینکه خدای حرم امام رضا(ع) خدای محل کار هم است پس کار را طوری پیش ببریم که به اضافه‌کاری نکشد.



قطارنویسهٔ نرگس، زائر کوچک امام



الهه از جمندی را | مرد به سمت ایستگاه قطار به راه افتاد. امروز نرگس به او گفته بود: «آه سوگند حرم امام (رضاع) هم همین شکلی است؟» و او مانده بود منظور دخترکش چیست. چه جوابی می‌داد؟ از روزی که نرگس چشم باز کرده بود فقط آن شهر کوچک را دیده بود و تجربه‌ای از جاهای دیگر نداشت. شاید فکر کرده بود شهرهای دیگر شکل دیگری است. سکوت کرده بود

◀ **از خودت برای خودت استفاده کن**

می‌گویند امیرالمؤمنین(ع) مقداری پول داشت؛ آن را خرد کرد، مقداری از آن رو داد و مقداری را شب، مقداری را پنهان داد و مقداری را آشکار و این به نازل شد. هر کس روز و شب، پنهان آشکار کند «ثَلَاثُهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ»، اجر آن طایفه اول

اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و هر آنچه در آن است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

است

که همسرش به کمک آمد: «نرگس جان آسمان همه جا آبی است اما آسمان حرم امام بر زر و کوپتره که همه هم نمی‌تونن اونا را ببینن. فقط بچه‌های معصوم و فرشته‌های کوچککی مثل من توون حسش کنن حتی با همین تلویزیون کوچیک…» تلویزیون قدیمی ۲۱ اینچی داشتند که همیشه موقع آذان، حرم را پیش می‌کرد. مرد خدا را شکر کرد و باز سگوت کرد. چه خوب

بهشت نیست. پس جاست؟ یک جایی از بهشت است که پس از اطفیقای نیست.

این عبارت بسیار مهتاز است. «فَالثَّابِتُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ من تنفسه بنفسه» مؤمن از خودش برای خود صرف می‌کند. هر چه بیشتر صرف کنی، آن دنیا تو تمدت تر خواهی بود. برایتان

برساند و دولتت بخرد. تنها پولی که توانسته بود از قبل پول نداند کند. این روزها کارخانه حقن منظمی نمی‌داد و ممکن بود حتی ماه دیگری هم پولی پرداخت نکنند پول کرایه خانه و داروهای سرطان نرگس میماند. اما دل را به در دزد و همه چیز را به خدا سپرد.

همیشه شنیده بود: «پول زیارت جور می‌شود…».

مثالی عرض کنم. می‌فرمایند کسی که تمام شب‌های جمعه را بخوابد، روز قیامت صرف می‌آید. فقیر محشور می‌شود. آقا از وقت برای خود صرف کن. سوره صاد را از شب‌های جمعه می‌خواند. در منافع شواش را بخوانید. بسواق بیوفاع الهاده

است. اگر می‌خواهید برای رفتگانتان چیزی بخوانید، یک سوره

بهشت بخوانید. اگر برای یاد تان یک سوره صاد بخوانید برای خودتان هم حساب می‌شود. ثواب و پهره به او هم می‌رسد و صله رح هم محسوب می‌شود. یعنی چند کار انجام داید. اگر خدا رحمت کند آن نواخواه شامل عمل بنده هم شود.

بسیار عالی است. مطالب فوق‌العاده‌ای برای این سوره گفته‌اند.

پول کم و گاه به گاه کارخانه کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌داد و نمی‌توانست دخل و خرجش را برسانم‌ریزی کند. کارخانه‌ای که در انحصار وراثت افتاده بود و بدهی داشت. همین که هنوز هم خط تولیدش نخواستید بود جای شکر داشت. «بالاخره درست می‌شود…».



این امید او و تمام کارگران بود و همه نگران. منتظر حقوق عقب افتاده خود بودند. باز خدا خیر باجانش را داد بدهد که تاکسی‌اش را شب‌ها برای چند ساعت به او فرض می‌داد تا با آن کار کند اما بخد در شهر کوچکی مثل شهر آن‌ها شب‌ها مسافر زیادی نبود. «پول بازی»

«فَالثَّابِتُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ من تنفسه بنفسه من دنیا به لآخره» از دنیا خودش برای آخرت صرف می‌کند.

بیشتر شما جوانید. جوانی مثل برق می‌گذرد.

در جوانی پیش از پیری و در زندگی پیش از مرگ حرفی می‌زنند

که مرگشکن است «فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ» قسم به کسی که

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

بسیار عالی است.

